گزارش مستند سی ان ان در باره رهبر القاعده

گام به گام با رد پای بن لادن

ترجمه: حسن عبدی

«او یک جوان نجیب زاده و شریف بود بسیار محترم و مودب.» می گوید: «اگر یک بار دیگر ببینمت می کشمت.» «او امروز محبوب ترین افراد در جهان اسلام است.» «وقتی صدای او را می شنوی دلت می خواهد که بی درنگ به پا خیزی و برای جنگیدن در کنارش به او بپیوندی و کار بن لادن کشتن غیرنظامیان است.» «بسیار مهم است که بن لادن را بکشیم.» این جملات منتخبی است از اظهاراتی که از متن گزارش مستند سی ان ان درباره اسامه بن لادن رهبر القاعده برگرفته شده است. اکنون از زمانی که نام اسامه بن لادن و تشکیلات مخوفش القاعده بر سر زبان ها افتاده است سال ها می گذرد. در این مدت علاوه بر چندین عملیات بمب گذاری که مستقیم یا غیرمستقیم در آنها پای بن لادن و القاعده در میان بوده، در یک حادثه تکان دهنده جهان شاهد بزرگ ترین و بی نظیرترین عملیات تروریستی در دنیای مدرن یعنی کوبیدن هواپیماهای مسافری به برج های دوقلو در یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ بوده است که در نتیجه آن هزاران تن کشته و هزاران تن دیگر زخمی شدند و رعب و وحشت بی نظیر جهان و به ویژه جهان غرب و بالاخص آمریکا را فراگرفت. کشور تازه تاسیس و مدرن آمریکا در حالی از دو جنگ جهانی در اوایل قرن گذشته میلادی پیروز بیرون آمده بود که برخلاف اروپا که نظامیان و غیرنظامیانشان به یکسان در معرض جنگ ها و کشتارها و بمباران ها بودند. تاکنون دست کسی به داخل آمریکا نرسیده و در آنجا وحشت نیافریده بود. شاید تا این تاریخ مردم این کشور طوفان خیز اخبار تغییرات آب و هوا را بیشتر به زندگی خود مربوط دانسته و دنبال می کردند تا اخبار جنگ ها و حوادثی را که هر روز در گوشه و کنار جهان اتفاق می افتاد و از میان نظامیان و غیرنظامیان قربانی می گرفت و در میان مردم رعب و وحشت می افکند. اما این بار دولت و مردم آمریکا برای اولین بار نزدیک و جدی بودن خطر را احساس کرده و برای آنچه که آن را ریشه کن کردن تروریسم نامیده اند دست به کار شدند. البته اینکه ریشه های تروریسم و راه های مقابله با آن چیست و اینکه آیا روشی که آمریکاییان و متحدانشان برای مقابله با این پدیده دهشت افکن و به ظاهر نوظهور و بی نظیر در پیش گرفته اند تا چه حد موثر خواهد بود بحث دیگری است. از سوی دیگر آنچه که بر ابعاد دهشت آفرینی القاعده می افزاید این است که برخلاف جنگ های کلاسیک و یا جنبش های ایدئولوژیک متعارف که در آن دوست و دشمن مرز نسبتاً روشنی دارند این مرزها برای بن لادن و القاعده که آمیزه ای از اصول مذهبی از جهان قدیم و آموزه ها و تفاسیر برگرفته از ایدئولوژی های مدرن را مبنای ایدئولوژی و عمل خود قرار داده اند چندان روشن نیست. از این رو برای القاعده اتحاد شوروی کمونیست و آمریکا و اروپای مسیحی که القاعده آن را صلیبی می نامد و اسرائیل یهودی به همان اندازه دشمن اند که دولت و مردم اکثراً شیعه عراق و اقلیت شیعه پاکستان و یا هندوهای کشمیر. اینکه آیا القاعده و رهبران برجسته اش بن لادن و الظواهری و . . . تا کجا ممکن است در مواجهه با واقعیت های جهان امروز بینش خود را تعدیل و اهداف و خواسته های ایدئولوژیک و عینی خود را روشن کنند هنوز در پرده ابهام است ولی هرچه هست تصویری که آنها تاکنون از خود ارائه داده اند چندان موید چنین تغییر و تحولی نیست. ناگفته نماند که تروریسم اتهامی است که بن لادن با درک و تعریف خود از رفتار غربی ها با مسلمانان و برداشتی که از حق انتقام جویی و مقابله به مثل دارد، آن را رد می کند و برای اقدامات خود توجیهاتی دارد. او قبول دارد که کشتن مردم و زنان و کودکان بی گناه در اسلام مجاز نیست ولی مدعی است که اقدامات او و سازمانش القاعده مقابله به مثل است و تا زمانی که آمریکاییان و غربی ها امنیت مردم مسلمان را از طریق حمایت از اسرائیل و حکومت های مشابه و دست نشانده و مسلح کردن آنها به خطر می اندازند القاعده نیز کشتن مردم آنها را حق مشروع خود خواهد دانست. او می گوید: «اگر انتقام گرفتن از کشتار مردم ما تروریسم است، اگر کشتن کسانی که کودکان ما را می کشند تروریسم است، پس تاریخ شاهد باشد که ما تروریست هستیم.» تروریسم یا انتقام و مقابله به مثل، اقدامات القاعده را هر چه بنامیم به هر حال حادثه یازدهم سپتامبر را می توان نقطه اوج این اقدامات دانست. حادثه چنان تکان دهنده و ابعاد آن چنان وسیع بود که شماری از تحلیلگران به ویژه کسانی را که به درست یا غلط در پس هر حادثه برجسته ای در جهان دست های توطئه گر قدرت های بزرگ را می بینند بر آن داشت بگویند که این عملیات توسط خود سازمان های اطلاعاتی آمریکا طراحی شده است تا بهانه ای برای اجرای طرح های از پیش تعیین شده آنها باشد وگرنه یک سازمان تروریستی و بنیادگرای اسلامی قادر به طراحی و اجرای عملیاتی به این دقت و هزینه و وسعت نیست. تهدیدهای علنی بن لادن و وجود شواهدی مبنی بر اهمال کاری سازمان های اطلاعاتی آمریکا در جلوگیری از حادثه نیز این گمان ها را تقویت می کرد هر چند که امروز دیگر با گذشت زمان و به دست آمدن شواهد بسیار، واقعیت القاعده به عنوان یک جریان پرانگیزه و توانمند در جذب متخصصین طراحی عملیات های دقیق و پیچیده بر ناظران امور آشکار شده و بر کمتر کسی پوشیده است. بررسی ریشه های تاریخی و ایدئولوژیکی و سیر تحول القاعده و رهبرانش نیز نشان می دهد که عوامل شکل گیری این جریان و کسب توانمندی دهشت آفرین گسترده توسط آن بسیار فراتر از توطئه و طراحی این یا آن دستگاه اطلاعاتی بوده و ریشه در بسیاری واقعیت های تاریخی و واقعیت های جهان امروز دارد. در هر صورت وقوع چنین حادثه ای چالش بزرگی در برابر جهان غرب به رهبری آمریکا به وجود آورده است، هم از نظر ناتوانی دستگاه های امنیتی در جلوگیری از آن (به شرطی که بپذیریم توطئه ای در کار نبوده که اگر نپذیریم چالش بزرگ تری را باید مطرح کرد) و هم از نظر ناتوانی آنها در دستگیری یا کشتن بن لادن و متلاشی کردن القاعده به رغم به کار بردن کارآمدترین تیم های اطلاعاتی و عملیاتی و صرف هزینه های بسیار. به هر حال از زمان حملات یازدهم سپتامبر تاکنون اخبار و تحلیل های مربوط به بن لادن و القاعده بخش قابل توجهی از گزارش ها و گفت وگوهای رسانه های گروهی را به خود اختصاص داده و هر بار تلاش شده تا علاوه بر تکرار مکررات زوایای جدیدی از این سازمان و رهبرش بن لادن برملا شود. در همین چهارچوب اخیراً کریستین امان پور گزارشگر سی ان ان در گزارش مستند دوساعته ای سیر تحول بن لادن را از دوران کودکی گرفته تا زمان تهیه این گزارش بررسی کرده است. اگرچه بخش مهمی از اطلاعات موجود در این گزارش و چهره ای که از بن لادن و القاعده ترسیم شده، تکرار آن چیزی است که پیش از این بارها و به انحای گوناگون از سوی رسانه های گروهی مطرح شده است ولی این گزارش به نوبه خود هم تصویر نسبتاً جامعی از بن لادن ارائه می دهد و هم برای اولین بار پرتو تازه ای بر برخی زوایای مبهم و تاریک زندگی بن لادن و چگونگی هدایت سازمان القاعده و چگونگی انجام اقدامات تروریستی توسط این سازمان می افکند. با وجود اینکه گزارش حاضر چندان به ریشه های اجتماعی و تاریخی شکل گیری و تحول بن لادن و القاعده نمی پردازد و اساساً پرداختن به آن در مجال چنین گزارش های کوتاه و محدود تلویزیونی نمی گنجد ولی به خوبی به زمینه های شکل گیری و عوامل اثربخش از جمله تاثیر جنبش اخوان المسلمین و افکار سید قطب بر بن لادن و اطرافیانش از جمله ایمن الظواهری توجه می کند. ترجمه گزارش را در زیر می خوانید:

■■■

اسامه بن لادن در راس افراد تحت پیگرد در جهان قرار دارد. او در پی شکار آمریکایی ها و میلیون ها نفر دیگر در سراسر جهان است. او همچنین الهام بخش بسیاری افراد دیگر برای جنگ در راه هدفی طولانی، پر هزینه و خونین است. پیشاور پاکستان محلی است که سازمان تروریستی القاعده به رهبری اسامه بن لادن در آنجا متولد شد. بن لادن اندکی پس از انجام عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر در آن سوی مرز پاکستان یعنی در افغانستان ناپدید شد و اکنون با گذشت پنج سال ما هنوز نمی دانیم که او در چه مکانی است یا چه موقع بار دیگر حمله خواهد کرد. او نه یک رهبر مادرزاد بود و نه از اول از غرب نفرت داشت. بنابراین باید پرسید که عامل تحول بن لادن چه بود. این چه عاملی بود که این فرزند ثروتمند عربستان را به ترسناک ترین فرد زمان حاضر تبدیل کرد؟ برای ارائه اطلاعات بیشتر درباره بن لادن و برای ترسیم کامل زندگی او، گزارشگران سی ان ان از خانه ها، مراکز فعالیت و مخفیگاه های او دیدن کرده و رد پاهای او را گام به گام از عربستان سعودی تا پاکستان و افغانستان دنبال کرده اند. آنها در گفت وگو با کسانی که شناخت بیشتر و واقعی تر از او دارند در جست وجوی یافتن پاسخ برای این پرسش ها برآمده اند. از جمله افرادی که در تهیه گزارش سی ان ان سهیم بوده اند عبارتند از: دوست دوران کودکی بن لادن، معلم انگلیسی او مردی که با خواهر او ازدواج کرد و نزدیک ترین دوست بن لادن به شمار می آید، مردی که قبل از همه در کنار او جنگید و جنبه دیگری از اسامه بن لادن را مشاهده کرد و نیز کسانی که او را تمجید و تحسین می کنند. بن لادن تروریستی باهوش و ذکاوت شگفت انگیز رسانه ای است. او همچنین یک جاسوس دوجانبه داشت که در عمق ارتش آمریکا نفوذ کرده بود. او بارها به آمریکا هشدار داده بود که به زودی این کشور را مورد حمله قرار خواهد داد. کسانی که با او نماز خوانده، با او زندگی کرده و برایش جنگیده اند در متن گزارش حضور دارند. در این گزارش سیر تحول تدریجی ولی مرگبار او ترسیم شده است؛ تحول از یک پسربچه آرام و مذهبی به صدای خشمگین جهاد و جنگ مقدس.

خلاصه مطلب

او قبول دارد که کشتن مردم و زنان و کودکان بی گناه در اسلام مجاز نیست ولی مدعی است که اقدامات او و سازمانش القاعده مقابله به مثل است و تا زمانی که آمریکاییان و غربی ها امنیت مردم مسلمان را از طریق حمایت از اسرائیل و حکومت های مشابه و دست نشانده و مسلح کردن آنها به خطر می اندازند القاعده نیز کشتن مردم آنها را حق مشروع خود خواهد دانست. او می گوید: «اگر انتقام گرفتن از کشتار مردم ما تروریسم است، اگر کشتن کسانی که کودکان ما را می کشند تروریسم است، پس تاریخ شاهد باشد که ما تروریست هستیم.»

■ پسربچه کم رو و مودب (۱۹۷۴-۱۹۵۷)

اسامه بن لادن در شهر در حال توسعه جده در عربستان سعودی بزرگ شد. عربستان سعودی در دهه ۱۹۶۰ یک پادشاهی فوق العاده ثروتمند بود و جده دروازه اصلی آن به سوی غرب به شمار می رفت. اگرچه آموزش عربی و آموزش های مذهبی در عربستان از اولویت برخوردار بود مدرسه ای که بن لادن در آن درس می خواند به طور شگفت انگیزی بسیار پیشرفته بود. فای فیلد شیلر معلم انگلیسی بن لادن در سال های ۱۹۶۹- ۱۹۶۸ بود. شیلر می گوید: «اسامه در وسط های کلاس و در کنار پنجره می نشست. او از نظر علمی یک دانش آموز برجسته و استثنایی نبود اما از سوی دیگر او یک پسربچه باهوش و تیزفهم بود.» شیلر معلم چند تن از برادران اسامه نیز بود. خانواده اسامه در عربستان بسیار معروف بود و شغل پدر بن لادن معروف و ورد زبان ها بود. در عربستان نام بن لادن را در همه جا مشاهده می کنید. نام بن لادن بیانگر یک امپراتوری بزرگ ولی با شروع متواضعانه و بی سر و صدا است. محمد پدر خانواده از یک شغل عادی به تدریج به رئیس یکی از موفق ترین شرکت های ساختمانی در خاورمیانه تبدیل شد به طوری که حتی ساختن فرودگاه ها هم توسط او صورت می گرفت. تیزهوشی شغلی محمد بن لادن به فرزندش اسامه به ارث رسید و او سال ها بعد با استفاده از همین مهارت ها شبکه تروریستی خود را راه اندازی کرد. یکی از نکات حائز اهمیت در مورد محمد بن لادن، دوستی و نزدیکی او با فیصل السعود بود که بعداً پادشاه عربستان شد و همین امر روابط بسیار نزدیک بن لادن با دربار سعودی را برجسته تر می کند، روابطی که در موفقیت خارق العاده او نقش حیاتی دارد. محمد دارای پیچیدگی نبود ولی ثروت هنگفتی داشت. او چندین زن داشت و گفته شده که تعداد زنان او به ۲۰ تن می رسید که به نوبت آنها را طلاق می داد و دوباره ازدواج می کرد. معلم انگلیسی اسامه درباره پدرش محمد می گوید: «این پیرمرد معروف به این بود که علاقه خاصی به زنان بسیار جوان دارد. اغلب آنها دختران بسیار ساده ای بودند که او از روستاها انتخاب می کرد.» او بیش از ۵۰ فرزند داشت. اسامه در سال ۱۹۵۷ در ریاض به دنیا آمد. او تنها فرزند مادرش از محمد بن لادن قبل از طلاق و جدایی آن دو بود. سپس اسامه و مادرش آلیا به جده مهاجرت کردند و در آنجا دور از دیگر زنان و فرزندان محمد زندگی کردند. زمانی که اسامه تنها ۱۰ سال داشت پدرش محمد چشم از دنیا فرو بست و شایع بود که او در یک حادثه سقوط هواپیما کشته شده است. با این همه برادران و خواهرانی که اسامه داشت به سختی می توان گفت که روابط او با پدرش تا چه حد نزدیک بود یا اینکه فقدان پدر تا چه حد بر او اثر گذاشت. عکسی از دوران کودکی و ۱۳ سالگی اسامه به دست آمده است که او را در میان خانواده خود در سوئد نشان می دهد. اسامه پسربچه ای آرام و کم رو بود و به گفته معلم انگلیسی اش در کلاس درس نیز به ندرت حرف می زد و او هیچ نشانه خاصی مبنی بر داشتن ویژگی رهبری دیگران نداشت. اسامه به جای حرف زدن بیشتر گوش می داد. او در نوجوانی (اوایل دهه ۷۰) و وقتی که در جده زندگی می کرد با نوجوان ۱۲ ساله ای به نام خالد بطارفی که سه سال از خودش کوچک تر بود و در همسایگی آنها زندگی می کرد آشنا و دوست صمیمی شد. این دو از آن پس با هم به مسجد می رفتند، با هم بازی می کردند و با هم تلویزیون تماشا می کردند. از جمله برنامه های مورد علاقه آنها تماشای فیلم های هیجان انگیز غربی و از نوع فیلم های بروسلی بود. در زمین بازی فوتبال رهبری با بطارفی بود و اسامه از او پیروی می کرد. اسامه همواره صلح و آشتی را بر جنگ و درگیری ترجیح می داد. بطارفی به خاطر می آورد که یک بار یکی از هم بازی ها اسامه را در هنگام بازی هل داد و به زمین انداخت و پس از آنکه او به حمایت از اسامه برخاست و قضیه را فیصله داد او تذکر داد و گفت که اگر چند دقیقه صبر می کردی من از راه صلح آمیز مسئله را حل می کردم. اگرچه در زمین بازی رهبری با بطارفی بود ولی وقتی که نوبت به مذهب می رسید بی هیچ اما و اگری اسامه رهبری را به عهده داشت. مسلمانان هر روز پنج بار به سوی شهر مقدس مکه رو می کنند و نماز به پا می دارند. اسامه همیشه در میان آنها بود. کمی عجیب و مرموز است که چگونه این پسربچه متعلق به یک خانواده ثروتمند به آدمی با اعتقادات سرسخت مذهبی تبدیل شد. با گذشت زمان بطارفی می دید که بهترین دوستش روز به روز افکار بنیادگرایانه تری پیدا می کند و می کوشد بر اساس تفسیر بسیار افراطی خود از کتاب مقدس قرآن زندگی کند. بطارفی می گوید: او به تدریج با عکس و موسیقی قهر کرد و بعد نوبت به قهر کردن با تلویزیون رسید مگر در زمان پخش اخبار. تعهد مذهبی اسامه بسیار فراتر از یک زندگی ساده همراه با تقوای مذهبی می رفت. او به تدریج باور کرده بود وظیفه دارد که خود را برای جنگ در راه اسلام و دفاع از آن آماده سازد. زمین تمرین اسامه صحرای بایر و بی آب و علف عربستان بود. این فرزند یک پدر بسیار ثروتمند اکنون خود را برای یک زندگی ساده و بدون تجمل و حتی بدون وسایل ضروری اولیه آماده می کرد همچون زندگی یک مجاهد در راه خدا. بطارفی هیچ علاقه ای به پیوستن به ارتش اسامه نداشت و به همین دلیل این دو دوست صمیمی به تدریج از هم جدا شدند. بطارفی می گوید: «من به عشق و زندگی عادی فکر می کردم ولی اسامه عاشق خدا شده بود.» اما باید دید که چگونه این عشق به خدا تبدیل به ماموریت برای کشتن شد.

■ آغاز بیداری (۱۹۷۹-۱۹۷۵)

«دل های مسلمانان مملو از خشم و نفرت و کینه نسبت به آمریکا و رئیس جمهوری آمریکا است.» این گوشه ای از سخنان بن لادن در مورد آمریکا است که میزان خشم و نفرت او نسبت به این کشور و سیاستمدارانش را نشان می دهد. اکنون باید دید چه چیزی باعث شد اسامه بن لادن از یک جوان آرام و مرفه به مهم ترین تروریست تحت تعقیب تحول پیدا کند؟ نقطه عطف زندگی او در کجا بود؟ در اواسط دهه ۱۹۷۰ بن لادن با دختر عموی خود ازدواج کرد و این اولین زن او از میان پنج زنی بود که اسامه با آنها ازدواج کرد و از آنها دست کم صاحب ۲۰ فرزند شد. او سپس در دانشگاه ملک عبدالعزیز در جده به تحصیل پرداخت. او در دانشگاه با دانشجویی به نام خلیفه که ۲۱ سال داشت آشنا و صمیمی شد و خلیفه بعداً با خواهر بن لادن عروسی کرد. خلیفه می گوید: «او اسب را بسیار دوست داشت به ویژه اسب های عربستانی را.» بن لادن وقتی که سوار بر اسب در صحرای عربستان به سفر می رفت، با خودش توشه اندکی بر می داشت و همواره خودش را آزمایش می کرد. شاید او داشت خودش را برای یک زندگی متفاوت آماده می ساخت. بن لادن حتی فرزندان خود را نیز با خود به صحرا می برد و آنها را وارد هنگ خود می کرد. استدلال بن لادن این بود که کودکان حداقل این را باید احساس کنند که ممکن است گاهی مجبور باشند با شرایط سخت سازگاری پیدا کنند. او به رغم داشتن ثروت بسیار پافشاری می کرد که زندگی ساده ای در منزل داشته باشد. پیتر برگن از کارشناسان سی ان ان در مارس ۱۹۹۷ در شرق افغانستان با بن لادن دیدار داشته است. او کتابی نوشته است به نام «اسامه بن لادنی که من می شناسم». این کتاب مستند تا حدودی بر پایه گزارش های بی نظیر او در باره بن لادن نوشته شده است. برگن می گوید: «او فرزند یک میلیاردر است ولی زندگی بسیار ساده ای دارد. روی زمین خالی می خوابد، از کولر استفاده نمی کند و حتی آب خنک نیز نمی نوشد. فکر می کنم زندگی ساده او یکی از دلایل محبوبیت بیشتر او در میان پیروانش است.» درست است که بن لادن سبک زندگی ثروتمندان را برای خود برنگزیده است ولی به گفته دوست نزدیکش او در استفاده از ثروت خود برای نجات زندگی پسرش تردید نکرد. دوست سابقش بطارفی می گوید که زمانی نخستین پسر بن لادن نیاز به درمان پیدا کرد و او فرزندش را برای درمان به آمریکا برد. او می گوید: «در فرودگاه واشینگتن مردم از نحوه لباس پوشیدن او و همسرش شگفت زده شده بودند و حتی برخی از آنها عکس می گرفتند. فکر می کنم صحنه خنده داری بود.» برگن نیز می گوید: «شکی در این نیست که بن لادن پسرش را برای درمان به یک کشور غربی برد. برخی می گویند او را به آمریکا برد و برخی می گویند به انگلیس. در این باره اتفاق نظر وجود ندارد ولی این یک موقعیت نادر بود که بن لادن به غرب سفر می کرد.» در این دوره که بن لادن برای اخذ مدرک دانشگاهی اش مشغول تحصیل بود، او همزمان برای پروژه های ساختمانی شرکت پدرش کار می کرد. خالد می گوید: «اسامه همیشه درباره پدرش حرف می زد. او واقعاً عاشق پدرش است و در هرکاری می کوشد از او تقلید کند.» اکنون زندگی ظاهری و عادی او ترکیبی از موارد زیر بود: کارگر ساختمانی، دانشجوی دانشگاه، شوهر، پدر و فردی در حال تمرین برای شرایط سخت. ولی در واقع او در ورای زندگی ظاهری و روزمره اش خود را برای زندگی دیگری آماده می ساخت بدون اینکه آگاهانه بخواهد چنین نقشی را برای خود تعریف کند. خالد می گوید: «او دوست نداشت رهبر شود یا خود را در موقعیت رهبری قرار دهد.» اما قرار بود این حالت به زودی عوض شود. بن لادن در آستانه جذب شدن به جنبشی بود که او را از یک دانشجو به رهبر جهاد مقدس تبدیل کرد. این یک جنبش مذهبی بود که جوانان را علیه قدرت مستقر برمی انگیخت و صحوه یا بیداری اسلامی نام داشت. جمال قاشقچی در سال ۱۹۸۷ در جده با اسامه آشنا شده است. او می گوید: «صحوه یک جنبش بسیار بانفوذ بود. این جنبش همه اش به مذهب و چگونگی تحقق عملی اسلام مربوط بود.» برگن هم صحوه را چنین معرفی می کند: «صحوه بیداری اسلامی دهه ۷۰ بود و برای افرادی همچون بن لادن که از قبل زمینه مذهبی داشتند جاذبه زیادی داشت. بیداری اسلامی در پی به وجود آوردن جامعه های اسلامی عادلانه تر در گوشه و کنار خاورمیانه است.» جمال قاشقچی می گوید: «بن لادن به نسل اسلامگراهای خشمگین تعلق داشت که می خواستند جهان اسلام را تغییر دهند.» قاشقچی خودش هم جذب جنبش بیداری شد. او که یک روزنامه نگار عربستانی بود مدت زمانی را در افغانستان، عربستان و پس از آن در سودان با بن لادن به سر برد. قاشقچی در پاسخ به این پرسش که چگونه بن لادن تحت تاثیر اخوان المسلمین قرار گرفت می گوید: «او از همان ابتدا در عربستان سعودی با اخوان المسلمین شروع کرد و به شدت تحت تاثیر آن قرار گرفت.»

ادامه در صفحه ۷

گزارش کاخ سفید و سخنان بوش درباره تروریسم

آمریکا امن تر شده اما نه کامل

گروه بین الملل: رئیس جمهور آمریکا در تازه ترین سخنرانی خود درباره تروریسم با نقل قول های مکرر از «اسامه بن لادن» رهبر شبکه القاعده بر موضع خود درباره ادامه تهدیدهای تروریستی علیه کشورش و لزوم جنگ با ترور تاکید کرد. به نوشته واشینگتن پست جورج بوش که پیش از این به ندرت به صورت مستقیم به بن لادن و سخنانش اشاره می کرد، بارها از او نقل قول کرد و با استناد به اسناد و نامه ها و نوارهای تروریست ها اظهارداشت که آنها کماکان در حال پیگیری اهداف بلندپروازانه استبدادی خود هستند و همچنین جنگ در عراق را نمونه ای از نبردی گسترده تر دانست. بوش گفت که خروج نظامیان آمریکا از عراق موجب برآورده شدن آرزوهای رهبر القاعده خواهد شد و او را به تهدیدی جهانی از جنس «آدولف هیتلر» و حتی جدی تر از آن بدل خواهد ساخت.

در حالی که تنها دو ماه تا انتخابات میان دوره ای کنگره آمریکا زمان باقی است مسئله امنیت ملی نقش بزرگی در این انتخابات ایفا می کند. بوش به ارزیابی دقیق و جزیی دیدگاه های اسامه بن لادن پرداخت و برخی اسناد منتشر نشده دراین باره را افشا کرد. حمایت رای دهندگان آمریکایی از جورج بوش بلافاصله پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به بیشترین مقدار خود رسید، مسئله ای که هیچ گاه تکرار نشد و اکنون پنج سال پس از آن واقعه بوش و همراهانش درتلاشند تا مردم آمریکا را متقاعد کنند تهدیدهای تروریستی کماکان پابرجاست و هنوز باید در نقاطی خارج از آمریکا با آن مبارزه کرد تا به درون خاک آمریکا نفوذ نکند. این دومین سخنرانی از مجموعه ای است که بوش به مناسبت پنجمین سالگرد ۱۱ سپتامبر تدارک دیده که در جمع اعضای انجمن افسران ارتش آمریکا در سالن هتلی که مملو از سربازان و نظامیان این کشور از جمله مجروحین جنگی ایراد شد. رئیس جمهور آمریکا گفت: «تاریخ این درس را می آموزد که ناچیز شمردن اظهارات و گفته های مردان جاه طلب و پلید اشتباه فاحشی است. بن لادن و هم پیمانان تروریست اش اهداف و مقاصد خود را مانند لنین و هیتلر به صورت شفاف ترسیم کرده اند. سئوال اینجا است که آیا ما به گفته های آنان گوش می دهیم، آیا ما به آنچه این افراد شرور و پلید می گویند توجه خواهیم کرد؟» بوش مدعی شد که تاریخ درباره برنامه های جنگی او که در حال حاضر چندان محبوبیتی ندارد، به نیکی قضاوت خواهد کرد. کاخ سفید هم در جهت اثبات سخنان بوش تعدادی از اسناد محرمانه ای را که پیشتر منتشر نشده بود، افشا کرد. از جمله این اسناد نسخه ای از منشور القاعده است که به گفته مقامات کاخ سفید توسط نیروهای ائتلاف در افغانستان پیدا شده و در آن آمده است جنگ تا زمانی که همگان به خداوند ایمان بیاورند ادامه خواهد داشت. سند دیگری که بوش در سخنانش به عنوان «دستور العمل خوفناک القاعده» از آن یاد کرد جزوه ای است به عنوان «راهنمای زدن و کشتن گروگان ها» که در جریان یکی از عملیات های ضدتروریستی پلیس لندن در سال ۲۰۰۰ پیدا شد. او در سخنانش به سند دیگری اشاره کرد که در عراق پیدا شده است و براساس آن القاعده قصد داشته با انجام چندین عملیات در این کشور کنترل استان الانبار را در اختیار بگیرد و نهادهای دولتی مورد نظر خود را از جمله آموزش و پرورش، تامین اجتماعی و دادگستری در آن بنا کند. سند دیگری که کاخ سفید منتشر کرد نامه ای است از بن لادن به ملاعمر رهبر طالبان که در آن درباره مبارزات و برنامه های تبلیغاتی و رسانه ای برای ایجاد شکاف بین مردم و دولت آمریکا نوشته شده است. بوش با اشاره به این اسناد گفت: هدف القاعده تشکیل «یک دولت متحد اسلامی افراطی مستبد بود که بتواند با جهان آزاد بجنگد و در نهایت آن را نابود کند.» او افزود بن لادن عراق را «مرکز خلافت» نامیده است و گفت: «اگر از عراق عقب نشینی کنیم اگر به وظیفه مان در حمایت از کسانی که می خواهند تا ۵۰ سال آینده در دنیایی آزاد زندگی کنند عمل نکنیم تاریخ ما را نخواهد بخشید و همواره از ما پرسیده خواهد شد که چرا دست روی دست گذاشتیم. من نخواهم گذاشت این اتفاق بیفتد و هیچ رئیس جمهوری بعد از این نیز نباید بگذارد.»

ساعاتی پیش از سخنرانی بوش کاخ سفید سند جدیدی را درباره تروریسم و شیوه جدید مبارزه با آن منتشر کرد. این سند راهبردی مدعی موفقیت های بسیار در جنگ با ترور شده ولی در عین حال هشدار می دهد که آمریکا با تهدید شبکه های کوچک تروریستی در کنار القاعده که پیشتر یک شبکه ایدئولوژیک است تا تروریستی، روبه رو است. این گزارش سیاست دولت آمریکا در گسترش آزادی و دموکراسی را بهترین وسیله برای مقابله با این تهدید درازمدت دانسته است. در این سند نتیجه گیری شده است که «آمریکا امن تر شده اما هنوز [کاملاً] امن نیست.» این سند ۲۳ صفحه ای در حالی منتشر شده که دموکرات ها نیز با استناد به مراکز تحقیقی خود می گویند امنیت ملی آمریکا در زمان زمامداری بوش به دلیل ناآرامی در عراق و سوءتدبیر در قبال ایران و کره شمالی به خطر افتاده است.

■ سخنان تکراری بوش درباره ایران

جورج بوش در سخنرانی خود مواضع خصمانه علیه ایران را تکرار کرد و با متهم کردن تهران به تلاش برای تولید سلاح هسته ای گفت که «ایران مسلح به سلاح هسته ای جهان آزاد را مرعوب می کند و تهدیدی مهلک برای ملت آمریکا است.» به گزارش آسوشیتدپرس بوش گفت: «ما همکاری نزدیک با متحدان خود را برای یافتن راه حلی دیپلماتیک ادامه خواهیم داد و ملت های آزاد جهان اجازه نخواهند داد ایران سلاح هسته ای تولید کند.» او مدعی شد اکنون زمان آن است که مقام های ایران گزینه متفاوتی را انتخاب کنند. او گفت: «حکومت ایران اهداف مشخص را دنبال می کند، می خواهد آمریکا را از منطقه خاورمیانه بیرون کند، اسرائیل را نابود کند و کنترل خاورمیانه را به دست بگیرد.» رئیس جمهور آمریکا پیشنهاد جامعه بین الملل به ایران در موضوع هسته ای را «معقول» توصیف کرد و گفت: «ایران تاکنون این پیشنهاد را نپذیرفته است؛ تصمیمی که به انزوای بیشتر ملت بزرگ ایران در جهان و نیز به از دست دادن فرصت مردم این کشور برای رونق اقتصادی منجر خواهد شد. زمان آن رسیده که ایران راه دیگری را انتخاب کند.»

آمریکا همچنین ایران را به همکاری نکردن در زمینه استرداد تعدادی از اعضای شبکه القاعده که به گفته آمریکا در اختیار ایران هستند، متهم کرده است که کاخ سفید سوریه را نیز یکی از حامیان اصلی تروریسم در دنیا دانسته است. در این گزارش تاثیر پیامدهای ناشی از نارضایتی جهان اسلام از جنگ عراق و اختلافات اعراب و اسرائیل بر گسترش تروریسم در جهان کم اهمیت تر از آن چه بسیاری از منتقدین مطرح می کنند، خوانده شده است. گزارش کاخ سفید در حالی منتشر شده که حزب جمهوریخواه در آستانه انتخابات میان دوره ای آمریکا به مسئله امنیت ملی توجه ویژه ای نشان داده است.

این حزب که کنترل کنگره را در دست دارد، موضوعات مربوط به امنیت ملی آمریکا و «جنگ علیه تروریسم» را در دستور کار کنگره قرار داده است.